



چهار مستندساز خاطراتشان
از پیاده روی اربعین را بازگو می کنند

ثبت قدم های ثابت عاشقی

کیان تصدیق مقدم

مسیری را می رویم که روزی حضرت زینب (س) رفت

امیر تاجیک
مستندساز

پیاده روی اربعین یک اصل دارد و کلی حواشی. آن چیزی که در قاب تلویزیون به ما نشان می دهند همان اصل است. منظورم از اصل همین جمعیت میلیونی است که در یک مسیر پیاده روی می کنند و به حرم امام حسین (ع) می رسند. ما همیشه عادت کرده ایم تصویرهای مشابهی را ببینیم. سال گذشته که به پیاده روی اربعین رفتم دوست داشتم به عنوان یک مستندساز سراغ قصه ها یا حواشی ای بروم که معمولاً در قاب رسمی تلویزیون یا مدیوم های دیگر به ما نشان داده نشده بود.

برای تولید مستند چه کاری انجام دادم؟

برای راهپیمایی اربعین این روزها یک مسیر مرسوم وجود دارد که از شهر نجف تا کربلاست و یک سری مواکب هم سر راهند؛ مسیری که عمدتاً در تصاویر و فیلم های بینیم اما مسیر فرعی دیگری هم وجود دارد که به خاطر طولانی تر بودنش افراد کمتری در آن حرکت می کنند و عمدتاً عراقی های قدیمی هستند. این مسیری است که از شهر کوفه شروع می شود و به ۲۰ کیلومتری کربلا می رسد. بار اولی که رفتم و این مسیر را دیدم برایم بسیار جذاب بود. این موضوع را فهمیدم که خانواده های عراقی هر ماه مبلغی از درآمدشان را کنار می گذارند تا در ایام پیاده روی اربعین به زائران خدمت کنند. این خدمت می تواند دادن آب باشد یا فضای خواب و غذا. منطقه ای که من رفتم سنتی بود و به زائران هم سنتی خدمت می کردند، مثلاً در تنور نان درست می کردند و غذا را با چوب می پختند. این جذابیت ها باعث شد اول به ظاهر این خدمت علاقه مند شوم اما کمی که عمیق تر شدم، دیدم داستان های ارزشمندی پشت این ماجراست.

چرا پیاده روی اربعین برای تورست ها جذاب است؟

اینکه از کشورهای مختلف حضور پیدا می کنند تا این پیاده روی را ببینند چند جنبه دارد. مادر ادیان مختلف جمع های مذهبی دارم تفاوت پیاده روی اربعین در سطح بین الملل با سایر تجمع هادر این است که بسیار گسترده و با تعداد بالا انجام می شود و در نوع خودش بی نظیر است. این مسیر ۱۲۰ کیلومتر است و گاهی خیلی ها که می آیند پیاده روی شان به ۲۰ روز هم می رسد. سرزمین های مختلف را در این مسیر می بینند و سنت هایشان جالب

دوست داریم، جلال اربعین را منعکس کنیم

مسعود زارعیان،
مستندساز

مابرای تولید مستند پیاده روی اربعین به کربلا رفتم، اولین آنها مربوط به سال ۹۲ است، البته دو مستند دیگر هم با همین موضوع تولید کرده ام. (سفر به اعماق زمین)، (سفر اول) و (زندگی در سرزمین اربعین)، (اسامی آنهاست. زندگی در سرزمین اربعین که آخرین آنهاست اکنون در جشنواره مستند تلویزیون هم حضور دارد و در رابطه با جمعی از طلاب است که در راهپیمایی اربعین حضور پیدا می کنند و در کنار تبلیغ سنتی که دارند، مطالبه دیگری را هم پیگیری می کنند و به مسئولیت اجتماعی شان در جغرافیایم پرداختند. به عبارتی کنشگری محیط زیستی انجام می دهند و تلاش می کنند در مدتی که در مسیر نجف تا کربلا حضور دارند مردم را به حفظ محیط زیست دعوت کنند.

چرا چنین مستندی ساختیم؟

تولیدات رسانه ای همیشه به جریان سازی فرهنگ کمک کرده است و اطلاع رسانی می کند و آگاهی می بخشد و به مردم کمک می کند رفتارشان را تصحیح کنند، در واقع یک الگوارائه می کند. بعضی اوقات هم از یک سری درد و زخم ها خبر می دهد که مسئولان جامعه را برای یک اقدام یا درمان متقاعد می کند.

در مستند به چه موضوعی پرداختیم؟

رفت و آمد ایرانی ها در سفر اربعین به عراق جنس رفتار و ذائقه عراقی ها را تغییر داده است، برای مثال عراقی ها سنتی

آن زمان را که جناب حافظ بیت در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن/ شرط اول قدم آن است که مجنون باشی، سرود، نمی دانم در ذهنش چیزی شبیه به پیاده روی اربعین بوده یا نه. اما ای کاش بود و بیت به تصویر کشیده اش را می دید. جنون مگر چیست و لیلی مگر کیست؟ وقتی طفلی سینی عاشقی اش را می گیرد جلوی مجنون هایی که در راه لیلی با اشتیاق قدم برمی دارند، جز عشق را به رخ جهان می کشد؟ دیده ایم پیرمرد و پیرزنانی که با پاهای عاریتی دوان دوان به سمت لیلی شان می روند. این جنون را داعی بیابان ها و سختی های مسیر و پاهای تاول زده و لب های خشک، اتفاقاً جنون تر می کنند. اصلاً باید آنقدر راه رفته باشی که هنگام وصال یا لیلی، نایی نباشد حتی برای سلام... باید تمام جانت را جمع و همه سپاه توانت را به خط کنی برای گفتن یک سلام و آنجاست که

معشوق - که خودش عاشق ترین است - در آغوشت می گیرد و می شود آنچه باید بشود. حالا

این مسیر عاشقی اگر ثبت شود که شیرینی اش تقسیم می شود بین تمام دل هایی

که یا قند مکرر می خواهند یا تشنه یک جرعه مهر خالصند. ثبت باید کرد

این صحنه ها را که تاریخ بدانند در زمانه ای عاشقانی می زیسته اند

که برای رفتن در مسیر دیدار لیلی، سر و دست می شکستند و

آنهايي که نمی رفتند دل شان می شکست. حالا رفته ایم سراغ

مستندسازی که خودشان در این وادی قدم برداشته اند

و دیده اند و دیده ها را ثبت کرده اند از اجتماع عاشقی

که سر به بیابان گذاشته اند برای دیدار حسین (ع).

و جذاب است. ضمن اینکه اتفاق هایی که در این مسیر می افتد نه لزوماً برای مسلمانان که برای همه جذاب است. شاید این موضوع را ندانید که حتی مسیحیان هم در این مسیر حضور دارند تا خدمت رسانی کنند و اینها جذابیت هایی است که در دوربین رسمی کمتر دیده می شود و ماموریت من و مستندسازان دیگر این است که همین حواشی را به تصویر بکشیم.

مستند را چگونه روایت کردم؟

در امر مستندسازی ما با یک فرم و قالب در کنار محتوا و درام رو به روی هستیم، طبیعتاً برای من درام مهم تر از فرم است و به همین دلیل در خیلی از مستند هایی که تولید کرده ام راحتی شخصی که در مستند حضور دارد برایم مهم تر بوده و به همین سبب خیلی اوقات با تلفن همراه فیلمبرداری کرده ام. هر جایی که بتوانم مفهومی که می خواهم را بهتر نشان دهم دوربینم را آنجایی گذارم. این فضای تواتر ورودی یک موکب باشد، می تواند وسط جاده باشد و می تواند تصویر هوایی باشد. اولویت برای من درام کار است و می خواهم حسم را به مخاطب القا کنم.

چگونه پژوهش کردم؟

پیاده روی اربعین یکی از بزرگ ترین حمایت هایش را از ایران دریافت می کند. سه نفر نقش

اصلی در راه اندازی مجدد این پیاده روی داشته اند؛ حضرت امام خمینی (ره)، آیت الله حکیم و آیت الله

سید محمد شاهرودی که پس از سال ها این پیاده روی را دوباره راه اندازی کردند. من هم با در نظر گرفتن همه این موضوعات یک سال پژوهش را برای مخاطبان به تصویر کشیدم و معتقدم مفاهیم اولیه بشری در همه جای دنیا دیده می شود و خواهان دارد. مجموعه من علاوه بر شبکه های داخلی مورد استقبال شبکه های بین المللی هم قرار گرفت.

داشتند که در لیوان های شیشه ای از زائران پذیرایی می کردند، اما چون ایرانی ها به این ظروف حساسیت نشان می دادند و با خودشان هم ظرفی نمی بردند، عراقی ها را هم مجبور می کردند از ظروف یکبار مصرف برای پذیرایی استفاده کنند. همین امر موجب تولید انبوه زباله و پسماند می شد و مادر مستندان به این مسائل هم پرداخته ایم. زائر امام حسین (ع) بسیار برای میزبانان عراقی عزیز است، اصلاً آنها می گویند بریزید و بپاشید ما خودمان جمع و تمیزی می کنیم، اما ما هم باید رعایت کنیم که آسیبی به محیط زیست نرسانیم. فضای اربعین بخشی از زندگی ما شیعیان است و همه می خواهند هر طور که شده خودشان را به پیاده روی برسانند، اما از بس ساخت ها برای کشور عراق به خصوص نجف و کربلا برای پیاده روی اربعین مهیا نیست تاجایی که از دفاتر مراجع جهت کمک می روند؛ آنقدری که از ایران آمبولانس یا ماشین های حمل زباله و نیرو می فرستند، همه اینها نشان می دهد که در آنجا بساخت ها فراهم نیست و ما باید کمک کنیم.

چه دغدغه ای داشتیم؟

فیلدسازها همیشه همراه با دغدغه هایشان هستند و هر هنرمندی زمانی اثرش جریان ساز و موثر می شود که از وجودش سرچشمه بگیرد نه که سفارش شده باشد. ساخت مستندات پیاده روی اربعین برای من به عشق امام حسین (ع) برمی گردد. امام حسین بخشی از جان و زندگی ما است. وقتی ما جلال پیاده روی اربعین را می بینیم دوست داریم این را منعکس کنیم و به دیگری هم که نیستند نشان دهیم، لذا رفتم و فیلم ساختم و در هر کدام شان یک قصه را روایت کردیم. اینکه مستندی در سطح جهانی دیده شود بستگی به همت تهیه کنندگان دارد، یعنی اگر صداوسیما کار کند و پخش کننده بین المللی داشته باشد و مستندساز هم زبان بین الملل را رعایت کرده باشد، قابلیت دیده شدن دارد. مستند من قابلیت این را دارد که ضریب بخورد و در شبکه های مختلف دیده شود.